

ارزیابی میزان «اجرای راهبردهای تدریس» و «کیفیت کتاب آموزشی» در تدریس صرف و نحو عربی برای دانشجویان کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

دکتر محمود حیدری*
عبدالله حکیم**

چکیده

از آنجا که صرف و نحو از مهم‌ترین واحدهای آموزش زبان عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی است، و از آنجا که دانشجویان این رشته به رغم گذراندن هشت واحد صرف و نحو در مقطع کارشناسی و دو واحد در مقطع کارشناسی ارشد، حتی در مقطع دکتری از حل ساده‌ترین مسائل صرفی و نحوی عاجزند، پژوهش حاضر می‌کوشد با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و مصاحبه به بررسی آموزش صرف و نحو عربی به دانشجویان کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی بپردازد. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و بهشتی هستند. در این پژوهش میزان دو متغیر «کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو» و «استفاده استادان از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو» از نظر دانشجویان و استادان بررسی شده است. از جمله یافته‌های پژوهش حاضر این است که از نظر بیشتر دانشجویان، کتاب آموزشی صرف و نحو (با

* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یاسوج (mahmoodhaidari@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج (hakimatu@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

عنوان: شرح/ابن عقیل) کیفیت مطلوبی ندارد و همچنین استادان در سطح پایینی از راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو استفاده می کنند.

کلیدواژه‌ها

آموزش زبان عربی، کتاب آموزشی، راهبردهای تدریس صرف و نحو، کتاب شرح/ابن عقیل.

مقدمه

زبان فارسی و زبان عربی قرن‌هاست که با هم رابطه‌ای دوسویه دارند. در این میان تأثیر زبان و ادبیات عربی در زبان و ادبیات کهن فارسی بر هیچ کس پوشیده نیست. این تأثیر در حدی است که هیچ پژوهشگری نمی تواند بدون آشنایی با زبان عربی به بحث و بررسی در ادبیات کهن فارسی بپردازد. از این رو، در مقطع کارشناسی هجده واحد و در مقطع کارشناسی ارشد چهار واحد درس عربی برای آموزش زبان عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، در نظر گرفته شده است.

با وجود این تعداد واحد عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی، مشاهده می شود که دانشجویان این رشته با مشکلات فراوانی در زمینه فهم و درک متون عربی مواجه و بیشتر آنان نسبت به یادگیری زبان عربی بی انگیزه اند. از مهم ترین واحدهای آموزشی عربی برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی که ضعف، بی انگیزگی و بی رغبتی دانشجویان در آن نمود بیشتری دارد، درس صرف و نحو است.

با وجود اینکه در مقطع کارشناسی هشت واحد و در مقطع کارشناسی ارشد دو واحد به این درس اختصاص داده شده است؛ دانشجویان این رشته حتی در مقطع دکتری و پس از گذراندن همه واحدهای درسی عربی، قادر نیستند ساده ترین مباحث صرف و نحو عربی را تحلیل کنند.

هدف از آموزش قواعد صرف و نحو، بالا بردن قدرت درست خوانی و فهم متون و هدف از آموزش زبان عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، بالا بردن قدرت خواندن و درک و فهم آنان از متون عربی است؛ اما به نظر می رسد که آموزش صرف و نحو عربی به جای اینکه بتواند آنان را در تحقق این هدف یاری دهد، چیزی جز بی رغبتی و بی انگیزگی نسبت به زبان عربی در آنان ایجاد نکرده است.

هرچند عوامل خارجی مانند جایگاه پایین زبان عربی در جامعه علمی ایران می‌تواند در بی‌رغبتی و ضعف دانشجویان در درس عربی مؤثر باشد، توجه به عوامل درونی مثل استفاده از راهبردهای مناسب تدریس و تألیف مواد آموزشی مناسب می‌تواند در بهبود آموزش زبان عربی مفید واقع شود. پژوهش حاضر می‌کوشد با تأکید بر دو متغیر مهم یعنی «کتاب آموزشی» و «راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو»، به بررسی آموزش صرف و نحو در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی بپردازد.

پرسش‌های پژوهش

از نظر دانشجویان و استادان، کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو در چه سطحی قرار دارد؟
از نظر دانشجویان و استادان راهبردهای مناسب تدریس در آموزش صرف و نحو عربی تا چه میزان اجرا شده است؟

ادبیات نظری پژوهش

ادبیات نظری این پژوهش شامل دو بخش است: بخش مربوط به ویژگی‌های کتاب آموزشی مناسب به ویژه در حوزه آموزش صرف و نحو و بخش دیگر روش‌ها و راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو.

ویژگی‌های کتاب آموزش صرف و نحو

تألیف کتاب‌های آموزش دستور در هر زبان همیشه از حساسیت بالایی برخوردار است؛ چرا که آموزش و یادگیری دستور در هر زبان از نظر بسیاری از متخصصان و یادگیرندگان، مهم‌ترین و ملال‌آورترین بخش‌های آموزش زبان است. حساسیت کتاب آموزشی صرف و نحو عربی به ویژه برای دانشجویانی که رشته تحصیلی آنان زبان عربی نیست، دوچندان می‌شود. در ذیل به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

تسلسل مباحث کتاب

از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب آموزش صرف و نحو تسلسل مباحث صرفی و نحوی در آن است. رعایت تدریس در این توالی سبب تسهیل در امر آموزش می‌شود. شیوه

تألیف و نوع نظم مباحث کتاب با توجه به ارتباط تنگاتنگ قواعد عربی (صرف و نحو) با یکدیگر تأثیر مهمی در امر آموزش دارد. در واقع مباحث کتاب باید در یک خط سیر مشخص و به صورت منطقی و با توجه به ساخت ویژه آن رشته و یادگیری‌های قبلی شاگردان تهیه و تنظیم شود؛ زیرا ساخت هر رشته از دانش بر اساس سلسله‌مراتبی شکل گرفته است و ترتیب و توالی آن‌ها باید حفظ شود؛ به طوری که مفاهیم کلی و عمومی در قاعده و طبقات پایین و مفاهیم اختصاصی‌تر در طبقات بالایی آن جای داشته باشد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴ و خورشیدی، ۱۳۸۵: ۶۷) و نظم مفاهیم نحوی به صورت هرمی باشد. مفاهیم گسترده و عام‌تر باید در رأس هرم و مفاهیم ساده‌تر و آسان‌تر در پایین هرم باشند (قطامی، ۱۹۹۸: ۲۸۸ و العدوی، ۲۰۰۳: ۲۵۶).

بیشتر کتاب‌های آموزش صرف و نحو عربی که برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شوند فاقد تسلسل منطقی و خط سیر مشخص‌اند، این امر به ویژه در دوره کارشناسی ارشد آشکارتر است؛ زیرا کتاب‌هایی که در این دوره تدریس می‌شوند، بیشتر مباحثی را مطرح می‌کنند که رابطه و هماهنگی با مباحث کتاب‌های قبلی‌ای دارند که دانشجویان در دوره کارشناسی خوانده‌اند. از این رو تسلسل مباحث کتاب‌ها چه در یک کتاب و چه بین چند کتاب که در دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد برای دانشجویان تدریس می‌شود، ضروری است.

محتوای کتاب

محتوای کتاب‌های آموزشی صرف و نحو باید متناسب با اهداف آموزش انتخاب شود؛ در غیر این صورت فعالیت‌های آموزشی هرگز فراگیران را به مقصد نهایی هدایت نخواهد کرد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). در تدوین محتوای کتاب‌های صرفی و نحوی در نظر داشتن موارد زیر الزامی است: آیا محتوا، آن رفتارهایی را که انجام یافتن آن‌ها از سوی دانش‌آموزان (و دانشجویان) انتظار می‌رود در ایشان می‌پروراند؟ آیا محتوا در سطحی مطابق با سطح یادگیری دانش‌آموزان (و دانشجویان) است؟ آیا محتوا توالی مناسب را داراست؟ آیا طوری تنظیم شده است که نخست مطالب ساده‌تر و بعد مشکل‌تر را ارائه کند؟ آیا محتوا برای مدت زمان تدریس متن مناسب است؟ (علی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۹۵).

تمرین‌ها و مثال‌های مناسب

کتاب مناسب آموزشی باید پس از هر درس دارای مجموعه‌ای از پرسش و تمرین باشد تا مدرّس را در فهم و درک سطح یادگیری یاری دهد و قواعد آموخته شده را در ذهن فراگیران تثبیت کند (حاج خلیل، ۲۰۰۶: ۲۲). مثال‌های کتاب‌های صرف و نحو باید دارای این ویژگی‌ها باشد: (۱) مثال‌ها از جمله‌های مشکل یا عبارت‌های خشک و ملال‌انگیز نباشد؛ (۲) دارای تنوع و تعدد موضوعات باشد؛ (۳) مثال‌های واضح و مرتبط با درس انتخاب شود. (رکابی، ۱۹۸۶: ۱۳۷).

در مراحل اولیه تدریس با استفاده از این مثال‌ها می‌توانیم به فرایند یادگیری کمک شایانی کنیم و به یادگیرنده شیوه درست خواندن و نوشتن را به صورت عملی بیاموزیم. همان‌طور که علم نحو تلاش می‌کند تا دانشجو بتواند به دور از خطاهای زبانی بنویسد و بخواند (رکابی، ۱۹۸۶: ۲۶۰).

از جمله ویژگی‌های دیگری که کتاب آموزشی صرف و نحو باید داشته باشد داشتن زبان ساده و متناسب با سطح یادگیرندگان است. خود این زبان نباید به یک مانع بزرگ برای فهم معنا تبدیل شود (حاج خلیل، ۲۰۰۶: ۲۳). زبان دشوار در بیشتر کتاب‌های آموزش قواعد عربی به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، از مهم‌ترین موانع و دشواری‌های راه دانشجویان است؛ چرا که وقت و توان دانشجو به جای اینکه صرف یادگیری و تطبیق قواعد شود صرف خواندن و فهمیدن متن کتاب می‌شود.

شیوه تدریس

در دنیای مدرن امروزی توجه زیادی به شیوه‌های صحیح تدریس می‌شود، تا جایی که این امر مهم در آموزش از راهکارهای بسیار کلیدی به شمار می‌رود. هرچه بیشتر به این موضوع پرداخته شود امر یادگیری به مراتب آسان‌تر و سریع‌تر و با پیشرفت بهتری به فراگیرنده القا می‌شود.

امروزه تنها به معلم به عنوان شخصی که وظیفه‌اش انتقال معلومات و دانش به یادگیرنده است نگاه نمی‌شود؛ بلکه نقش اصلی او ترغیب فراگیرندگان به آموزش و فراهم کردن زمینه‌های نشاط و شادابی برای آنهاست تا خود بتوانند بخش‌های بزرگی از فرایند آموزشی را بر عهده گیرند (حاج خلیل، ۲۰۰۶: ۲۰). از آنجا که مدرّس در امر آموزش نقش کلیدی را ایفا می‌کند، بنابراین باید پیش از هر چیز بر اصول یادگیری و

روش‌ها و فنون تدریس به طور کامل مسلط شود تا بتواند این وظیفه خطیر را به نحو شایسته انجام دهد.

هرچند امروزه متخصصان معتقدند یک روش آموزشی ایدئال وجود ندارد؛ بلکه معلم باید طبق شرایط سطح فراگیرندگان و اهداف آموزشی یک روش مناسب را انتخاب کند (حاج خلیل، ۲۰۰۶: ۸۹ و ژیرار، ۱۳۶۵: ۵۲) اما در واقع این روش‌های تدریس هستند که شیوه عمل معلم را در کلاس درس شکل می‌دهند و فرصت‌های مناسب را برای فراگیری دانش آموزان فراهم می‌آورند (آقازاده، ۱۳۸۵: ۲۴۷ و جوام و شریفی، ۱۳۷۰: ۴۱). روش‌های تدریس صرف و نحو از مهم‌ترین دلایلی هستند که به سختی قواعد نحوی منجر می‌شوند؛ چرا که اکثر این روش‌ها قدیمی‌اند و مناسب مقتضیات این عصر نیستند (الحسون و الخلیفه، ۱۹۹۶: ۲۴۳ و الشریوفی، ۱۹۹۸: ۵۸). در مجموع، هدف از آموزش صرف و نحو عربی به خصوص برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، چیزی جز درک کاربردی قواعد عربی نیست، پس ما باید قواعد نظری را برای کاربردی کردن و پیاده کردن آن روی متن به کار ببریم؛ زیرا اگر بخواهیم به نتیجه برسیم باید از مرحله دانستن بگذریم و به مرحله عمل برسیم. تفاوت این دو را در دانستن چیزی از سویی و شناختن چگونگی آن از سویی دیگر می‌توان خلاصه کرد (آدلر، ۱۳۷۵: ۸۹). به دلیل آنکه صرف و نحو یک کار عملی است و نمی‌توان آن را صرفاً با کار نظری آموزش داد، مسئله عملی را فقط با خود عمل می‌توان حل کرد (آدلر، ۱۳۷۵: ۲۴۰).

نکته دیگری که در امر تدریس صرف و نحو باید به آن توجه داشته باشیم نحوه ارتباط دادن مسائل پیشین با مطالب جدید آموزشی است. از آنجا که یادگیری به شدت متأثر از دانش پیشین است اگر اطلاعات جدید به طور کامل با دانش پیشین همخوان باشد، یادگیری به سهولت انجام می‌شود (کار و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۲). مدرس باید با توانایی خود بین معلومات پیشین و جدید دانشجویان ارتباط منطقی و سازنده‌ای برقرار کند تا این تسلسل سبب ارتقا آموزش شود و فراگیرنده بتواند مسائل پیشین را با مطالب جدید در یک مدار منطقی قرار دهد و از آن‌ها به بهترین نحو استفاده کند.

علاوه بر موارد بالا، رعایت موارد زیر نیز سبب بهبود هرچه بیشتر تدریس می‌شود:

- ۱) عدم استفاده مکرر از روش سخنرانی؛ ۲) آگاهی از روش‌های جدید تدریس؛
- ۳) رعایت اصل تسلسل منطقی قواعد با یکدیگر در تدریس (شعبانی، ۱۳۸۶: ۲۹)؛
- ۴) تدریس قواعد دستوری بر اساس اهمیت آن‌ها و نیاز دانشجویان در رشته‌ها؛ ۵) انتخاب

متن‌ها و جمله‌ها از متون ادبی مشهور به منظور ایجاد شور و نشاط در یادگیرندگان (ابوالهیجا، ۲۰۰۱: ۲۳)؛ ۶) استفاده مدرس از پرسش و مثال پیش از وارد شدن به بحث به منظور پیوند اطلاعات قبلی آن‌ها با درس جدید (رکابی، ۱۹۸۶: ۱۷۳)؛ علاوه بر موارد فوق‌الذکر؛ ۷) با توجه به پیوند عمیق زبان فارسی و عربی اساساً در تدریس صرف و نحو، مدرس باید به دستور زبان فارسی نیز تسلط کافی داشته باشد تا این پیوند را به صورت تطبیقی به بهترین نحو بیان و در نتیجه یادگیری قواعد را آسان‌تر کند؛ زیرا شباهت‌های زیادی بین قواعد دو زبان وجود دارد (عاشورا و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۶۹ و اچسون، ۱۳۷۴: ۲۰۸).

پیشینه پژوهش

سلیمی و نعمتی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «نقد و ارزیابی درس عربی در رشته زبان فارسی»، آموزش زبان عربی را به صورت کلی در رشته زبان و ادبیات فارسی بررسی کرده‌اند. نگارندگان در این مقاله بیشتر تلاش کرده‌اند که با ذکر مثال‌های کاربردی از متون عربی شیوه آموزش زبان عربی را در این رشته کاربردی‌تر کنند. از پیشنهادها خوبی که نگارندگان مطرح کرده‌اند ضرورت ادغام دروس صرف و نحو با دروس نظم و نثر است.

اکبری مفاخر (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی و بررسی آموزش بلاغت و صرف و نحو به دانشجویان رشته عربی و دیگر رشته‌ها» چهار مؤلفه «نقش کتاب»، «نقش مدرس»، «نقش روش‌های تدریس» و «نقش دانشجو» را در آموزش بلاغت و صرف و نحو عربی در رشته زبان و ادبیات عربی و سایر رشته‌ها بررسی کرده است. بررسی این مؤلفه‌ها به صورت کلی بوده و بیشتر مخصوص رشته زبان و ادبیات عربی است.

پاشازانوس (۱۳۸۸) در مقاله خود با نام «نگاهی به نحوه آموزش صرف و نحو در دانشگاه‌های کشور، آسیب‌ها، راهکارها» چهار ضلع آموزش یعنی استاد، دانشجو، کتاب و شیوه‌های آموزش را در آموزش صرف و نحو بررسی کرده است.

همه مقالات ذکر شده با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به بررسی مشکلات آموزش صرف و نحو پرداخته‌اند؛ ولی در مقاله حاضر سعی شده است با جمع‌آوری اطلاعات میدانی و نظرسنجی نظر دو گروه مهم در آموزش یعنی اساتید و دانشجویان در مورد آموزش صرف و نحو عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد بررسی شود.

جامعه آماری، روش و ابزار پژوهش

جامعه آماری این پژوهش دو گروه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و استادان رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تهران هستند. جامعه دانشجویان، شامل همه دانشجویان کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در سه دانشگاه مذکورند که از مجموع آن‌ها شصت و دو نفر انتخاب شده‌اند. از استادان هم پنج استاد که یا هم اکنون به تدریس صرف و نحو عربی در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول هستند یا قبلاً تجربه تدریس این درس را داشته‌اند، انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌های دانشجویان و مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌های استادان، استفاده شده است.

از آنجا که نمونه مشابهی برای پرسشنامه این پژوهش وجود نداشت با مطالعه آراء متخصصان و نظریه‌پردازان آموزش زبان عربی پرسشنامه حاضر طراحی، سپس روائی آن را سه استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عربی و یکی از استادان رشته آمار تأیید کردند. برای بررسی اعتبار پرسشنامه نیز از نمونه مقدماتی استفاده شد که بر اساس آن میزان آلفای کرونباخ سؤالات ۰/۸۶۶ به دست آمد.

پرسشنامه دانشجویان دارای دو متغیر و پانزده پرسش است. متغیر اول «کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو» و دارای شش پرسش و متغیر دوم «استفاده از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو» و دارای نه پرسش است.

تعداد استادانی که در سه دانشگاه ذکر شده به تدریس درس صرف و نحو برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی پرداخته‌اند، کم و انگشت‌شمار بوده است. پنج نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند و به دلیل کم بودن تعداد آنان از روش مصاحبه برای جمع‌آوری نظریات آنان استفاده شد.

کتاب شرح ابن عقیل

کتاب شرح ابن عقیل بر الفیه ابن مالک، اثر بهاء‌الدین عبدالله بن عقیل عقیلی همدانی، به زبان عربی و حدوداً در نیمه اول قرن هشتم نوشته شده و از کتاب‌های قدیمی آموزش قواعد عربی و کسب دانش تخصصی در زمینه علم صرف و نحو است؛ که نقش کاربردی آن مورد توجه مراکز علمی و عنایت صاحب‌نظران و متخصصان زبان و ادبیات عربی در ایران و کشورهای اسلامی دیگر بوده و هست. با توجه به اینکه بخش‌های عمده‌ای از متون

کلاسیک فارسی به زبان عربی است و حتی متون بلاغی فارسی نیز تحت تأثیر این زبان است و آشنایی با صرف و نحو عربی به فهم بیشتر زبان و ادبیات فارسی کمک می‌کند؛ از این رو، ضرورت وجود کتاب شرح ابن عقیل – که از دیرباز، منبع اصلی آموختن قواعد عربی در حوزه و دانشگاه است – بیشتر درک می‌شود. خود کتاب الفیه ابن مالک – که متن اصلی کتاب و شامل هزار بیت شعر آموزشی است – از شهرت زیادی برخوردار است؛ تا حدی که شروح و حواشی گوناگون آن، به چند برابر حواشی متون نحو دیگر می‌رسد. شرح کتاب به وسیله ابن عقیل، به گونه‌ای ساده و رسا نگارش یافته است و به عقیده اغلب نحویان، بهترین شرح بر الفیه ابن مالک به شمار می‌رود. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری این کتاب را در حوزه صرف و نحو در ایران به عنوان سرفصل تعیین کرده و آن را به عنوان مهم‌ترین منبع آزمون تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته است.

یافته‌ها

توصیف داده‌های مربوط به دانشجویان

متغیر اول: میزان کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو

در این بخش سعی شده است تا متغیر «میزان کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو» از نظر دانشجویان بررسی شود. شش سؤال در مورد کیفیت کتاب، میزان این کیفیت را مشخص می‌کند:

۱. تا چه حد زبان این کتاب (شرح ابن عقیل) برای شما قابل فهم است؟
۲. ارتباط مطالب کتاب با سطح معلومات قبلی شما در قواعد صرف و نحو عربی تا چه اندازه است؟
۳. میزان جذابیت ظاهر، شیوه نگارش و فصل‌بندی کتاب برای شما تا چه حدی است؟
۴. میزان استفاده کتاب پس از هر درس از مجموعه سؤال‌ها و تمرین‌های مرتبط با موضوع درس چقدر است؟
۵. تا چه اندازه تمرین‌ها و قواعد این کتاب در راستای بالا بردن قدرت شما در خواندن صحیح و درک و فهم متون عربی طرح شده است؟
۶. کیفیت مثال‌های این کتاب از نظر جذابیت و ترغیب خواننده چگونه است؟

جدول ۱ فراوانی نسبی سنجه‌های مربوط به کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو عربی (ابن عقیل) از نظر دانشجویان

معرف‌ها	بالا	متوسط	پایین	کل	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
قابل فهم بودن زبان کتاب	۹	۱۴/۵	۲۸	۴۵/۲	۲۵	۴۰/۳	۶۲	۱۰۰
ارتباط مطالب کتاب با سطح معلومات قبلی	۱۳	۲۱/۲۱	۳۳	۵۳/۲	۱۶	۲۵/۸	۶۲	۱۰۰
شیوه نگارش و فصل‌بندی کتاب	۹	۱۴/۵	۱۶	۲۵/۸	۳۷	۵۹/۷	۶۲	۱۰۰
میزان استفاده کتاب از سؤال‌ها و تمرین‌های پایانی درس	۳	۴/۸	۱۱	۱۷/۷	۴۸	۷۷/۲	۶۲	۱۰۰
مناسب بودن تمرین‌ها و مثال‌های کتاب در راستای بالا بردن قدرت دانشجویان در خواندن و فهم متون	۳	۴/۸	۱۵	۲۴/۲	۴۴	۷۱	۶۲	۱۰۰
کیفیت مثال‌های کتاب	۵	۸/۱	۱۶	۲۵/۸	۴۱	۶۶/۱	۶۲	۱۰۰

داده‌های به دست آمده از مجموع این شش سؤال نشان می‌دهد که در مورد سؤال اول این مجموعه ۱۴/۵ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۴۵/۲ درصد در سطح متوسط و ۴۰/۳ درصد پایین درباره زبان کتاب نظر داده‌اند.

درباره سؤال دوم، داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۲۱/۲۱ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۵۳/۲ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۸ درصد در سطح پایین به ارتباط کتاب با سطح معلومات قبلی خود اذعان دارند.

در مورد سؤال سوم (شیوه نگارش و جذابیت کتاب)، داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۱۴/۵ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۵/۸ درصد در سطح متوسط و ۵۹/۷ درصد در سطح پایین در مورد این مسئله اظهار نظر کرده‌اند.

درباره سؤال چهارم (میزان استفاده کتاب از تمرینات و مثال‌های پایانی)، ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۱۷/۷ درصد در سطح متوسط و ۷۷/۲ درصد در سطح پایین نظرهای خود را بیان کرده‌اند.

در مورد سؤال پنجم (کیفیت مثال‌های کتاب)، ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۴/۲ درصد در سطح متوسط و ۷۱ درصد در سطح پایین به این سؤال پاسخ داده‌اند.

و در مورد سؤال پایانی ۸/۱ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۵/۸ درصد در سطح متوسط و ۶۶/۱ درصد در سطح پایین نظرهای خود را در این زمینه بیان کرده‌اند.

در مجموع نتایج به دست آمده از این شش سؤال نشان می‌دهد که ۱۱/۳۲ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۳۱/۹۹ درصد در سطح متوسط و ۵۶/۶۹ درصد در سطح پایین معتقد به کیفیت کتاب آموزشی خود در درس صرف و نحو عربی هستند.

جدول ۲ میزان کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو از نظر دانشجویان (به درصد)

میزان کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو	بالا	متوسط	پایین	کل
	۱۱/۳۲	۳۱/۹۹	۵۶/۶۹	۱۰۰

- متغیر دوم: میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب تدریس در درس صرف و نحو در این بخش که شامل ۹ سؤال است میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب تدریس در درس صرف و نحو از نظر دانشجویان بررسی شده است:
۱. استادان شما تا چه حد از پرسش‌ها و مثال‌ها برای پیوند دادن معلومات قبلی شما با معلومات جدید در هر جلسه استفاده می‌کنند؟
 ۲. استادان شما تا چه حد از مثال‌های متنوع و متعدد خارج از کتاب درسی برای آموزش بهتر بهره می‌برند؟
 ۳. میزان استفاده استادان شما از مثال‌های ادبی، ساده و عبارات زیبا و نشاط‌انگیز در چه حد است؟
 ۴. نحوه بهره‌گیری استادان شما از مثال‌های روشن در پیوند با درس مورد نظر در چه حد است؟
 ۵. استادان شما تا چه حد از متن‌های عربی به جای جمله‌های کوتاه در آموزش صرف و نحو عربی استفاده می‌کنند؟
 ۶. استادان شما تا چه حد به بررسی قواعد ضروری و کاربردی صرف و نحو تأکید دارند و از قواعد اضافی و غیر کاربردی اجتناب می‌ورزند؟
 ۷. استادان شما به چه میزان از روش به کارگیری دستور زبان فارسی برای آموزش بهتر صرف و نحو عربی استفاده می‌کنند؟

۸. استادان شما تا چه حد آموزش صرف و نحو را در راستای تقویت مهارت خواندن و فهم متن شما به کار می‌برند؟
۹. استادان شما تا چه میزان بر فهم عملی صرف و نحو - و نه بر حفظ قواعد - تأکید دارند؟

جدول ۳ فراوانی نسبی سنجه‌های مربوط به میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو عربی از نظر دانشجویان

معرف‌ها	بالا	متوسط	پایین	کل
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
میزان ارتباط‌دهی مسائل قبلی و جدید درس	۴	۶/۲	۲۵	۴۰/۳
میزان استفاده استاد از مثال‌های متنوع و خارج از کتاب	۳	۴/۸	۱۳	۲۱
استفاده استادان از متون ادبی و عبارات زیبا و نشاط‌انگیز	۴	۶/۵	۱۵	۲۴/۲
بهره‌گیری استاد از مثال‌های روشن و مرتبط	۳	۴/۸	۲۲	۳۵/۵
میزان استفاده استاد از متون عربی به جای مثال‌های کوتاه	۲	۳/۲	۶	۹/۷
گزینش موارد ضروری و کاربردی	۵	۸/۱	۳۵	۵۶/۵
کیفیت به کارگیری دستور زبان فارسی	۳	۴/۸	۲۸	۴۵/۲
آموزش صرف و نحو در راستای فهم و خواندن صحیح متون	۳	۴/۸	۱۴	۲۲/۶
تأکید استاد بر فهم کاربردی صرف و نحو و نه حفظ قواعد	۱۱	۱۷/۷	۱۵	۲۴/۲

طبق داده‌های آماری به دست آمده در مورد سؤال اول (میزان ارتباط‌دهی مسائل قبلی و جدید درس) این مجموعه ۶/۲ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۴۰/۳ درصد در سطح متوسط و ۵۳/۲ درصد در سطح پایین به این پرسش پاسخ دادند.

نظر دانشجویان در مورد سؤال دوم (میزان استفاده استاد از مثال‌های متنوع و خارج از کتاب) این مجموعه چنین است که ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۱ درصد در سطح متوسط و ۷۴/۲ درصد در سطح پایین به این امر اذعان دارند.

در مورد سؤال سوم (استفاده استادان از متون ادبی و عبارات زیبا و نشاط‌انگیز) ۶/۵ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۴/۲ درصد در سطح متوسط و ۶۹/۴ درصد در سطح پایین نسبت به این سؤال نظر خود را بیان کردند.

درصد فراوانی به دست آمده از سؤال چهارم (بهره‌گیری استاد از مثال‌های روشن و مرتبط) نیز به این شیوه است که ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۳۵/۵ درصد در سطح متوسط و ۵۹/۷ درصد در سطح پایین به این سؤال پاسخ داده‌اند.

داده‌های به دست آمده از سؤال پنجم (میزان استفاده استاد از متون عربی به جای مثال‌های کوتاه) بدین قرار است که ۳/۲ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۹/۷ درصد در سطح متوسط و ۸۷/۱ درصد در سطح پایین پاسخگو بوده‌اند.

اطلاعات آماری سؤال ششم (گزینش موارد ضروری و کاربردی) این مجموعه به این شرح است که ۸/۱ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۵۶/۵ درصد در سطح متوسط و ۳۵/۵ درصد در سطح پایین به این سؤال جواب داده‌اند.

داده‌های به دست آمده از سؤال هفتم این مجموعه (کیفیت به کارگیری دستور زبان فارسی) نشان می‌دهد ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۴۵/۲ درصد در سطح متوسط و ۵۰ درصد در سطح پایین نظر داده‌اند.

داده‌های آماری سؤال هشتم (آموزش صرف و نحو در راستای فهم و خواندن صحیح متون) نشان می‌دهد ۴/۸ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۲/۶ درصد در سطح متوسط و ۷۲/۶ درصد در سطح پایین اظهار نظر کرده‌اند.

اطلاعات آماری سؤال نهم (تأکید استاد بر فهم کاربردی صرف و نحو و نه حفظ قواعد) چنین است که ۱۷/۷ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۲۴/۲ درصد در سطح متوسط و ۵۸/۱ درصد از آنان در سطح پایین پاسخ داده‌اند.

در مجموع داده‌های به دست آمده از ۹ سؤال این متغیر نشان داد که ۶/۷۶ درصد از

دانشجویان در سطح بالا، ۳۱/۰۴ درصد در سطح متوسط و ۶۲/۲ درصد در سطح پایین معتقد به استفاده استادان از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو عربی بوده‌اند.

جدول ۴ میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو عربی (به درصد)

میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو عربی	بالا	متوسط	پایین	کل
۶/۷۶	۳۱/۰۴	۶۲/۲	۱۰۰	

تحلیل داده‌ها

تحلیل متغیر اول دانشجویان: میزان کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو

نگارندگان در این متغیر، شش سؤال بر اساس ادبیات نظری پرسشنامه طراحی کردند.

سؤال اول این مجموعه در مورد زبان کتاب است که با استناد به پاسخ دانشجویان به این نتیجه رسیدیم که فهم زبان کتاب از نظر بیشتر آنان بسیار دشوار است. در واقع زبان کتاب از عوامل مهم تأثیرگذار در جذب علاقه و انگیزه دانشجویان است. واقعیت امر این است که زبان کتاب شرح/بن عقیل که در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در سه دانشگاه (علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تهران) و همچنین در بسیاری از دانشگاه‌های دیگر تدریس می‌شود، بسیار فراتر از سطح دانشجویان این رشته است. نکته جالب توجه این است که این کتاب در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی زبان و ادبیات عرب نیز تدریس می‌شود. دانشجویان به جای اینکه وقت خود را صرف یادگیری و کاربرد قواعد صرف و نحو عربی کنند باید ساعت‌ها وقت را برای فهم زبان این کتاب بگذرانند که خود این امر سبب خستگی، ملالت و بی‌انگیزگی آنان برای ادامه یادگیری می‌شود.

در مورد سؤال دوم از نظر بیشتر دانشجویان (۵۳/۲) در سطح متوسط، مطالب کتاب با سطح معلومات قبلی آنان در مورد صرف و نحو عربی پیوند دارد. تنها ۲۱/۲۱ درصد از دانشجویان در سطح بالا معتقد بودند که معلومات کتاب با معلومات قبلی‌شان در ارتباط است. در واقع در بیشتر دانشگاه‌های ایران در درس صرف و نحو عربی برای دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کتاب *مبایده العربیه* جلد سوم یا جلد چهارم تدریس می‌شود. مباحثی که در کتاب شرح/بن عقیل مطرح شده است چندان پیوسته و دنباله مباحث کتاب *مبایده العربیه* نیست. چه بسا دانشجویی از کتاب *مبایده العربیه* فقط چند

مبحث ساده را خوانده است، ولی در مرحله کارشناسی ارشد با مباحث سنگین کتاب شرح *ابن عقیل* روبه‌رو می‌شود که چندان ارتباطی با معلومات قبلی وی ندارد. از طرف دیگر ممکن است این معلومات با معلومات قبلی دانشجویان مرتبط باشند، ولی این ارتباط یک ارتباط نظام‌مند - از ساده به مشکل - نیست، بلکه معلومات کتاب شرح *ابن عقیل* بسیار پیچیده‌تر از کتاب‌های آموزشی صرف و نحو در دوره کارشناسی است.

در سؤال سوم بیشترین درصد دانشجویان (۵۹/۷) در سطح پایینی معتقد بودند که کتاب آموزشی صرف و نحو دارای ظاهری جذاب، شیوه نگارش و فصل‌بندی مناسب است. با توجه به این نکته که *الفیه* در چند قرن قبل تألیف شده است برای دانشجوی امروز نمی‌تواند گیرایی داشته باشد و طبعاً با تکنولوژی جدید تألیف، تفاوت‌های زیادی دارد.

سؤال چهارم به بررسی میزان استفاده کتاب از سؤال‌ها و تمرین‌های مرتبط با موضوع درس اختصاص داشت. بیشترین درصد دانشجویان (۷۷/۲) معتقد بودند که در سطح پایینی این کتاب دارای تمرین‌ها و سؤال‌های مرتبط با موضوع درس است. یکی از مهم‌ترین مشکلات کتاب‌های آموزشی صرف و نحو مخصوصاً در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، نداشتن تمرینات مناسب است. اکثر این کتاب‌ها مثل کتاب شرح *ابن عقیل* فقط شامل مباحث نظری خشک با تعدادی مثال‌های درون‌متنی و فاقد تمرینات پایانی در هر مبحث‌اند. این امر سبب می‌شود که یادگیری دانشجویان بیشتر از آنکه عملی و کاربردی باشد، به سوی حفظ قواعد سوق داده شود.

در مورد مناسب بودن تمرین‌ها و مثال‌های کتاب در راستای بالا بردن قدرت ذهنی دانشجویان در خواندن و فهم متون، که در سؤال پنجم مطرح شد، اکثر دانشجویان (۷۱ درصد) در سطح پایینی معتقد بودند که مثال‌های کتاب در راستای بالا بردن قدرت آنان در خواندن و فهم متون بوده است. از آنجا که هدف اصلی آموزش صرف و نحو عربی به ویژه برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی درست‌خوانی اشعار و عبارات عربی در متون کلاسیک فارسی و بالا بردن توانایی ذهنی آنان در ادراک معانی آن‌هاست، توجه به تمرینات و مثال‌های مناسب سهم بسزایی در تحقق این هدف دارد. کتاب شرح *ابن عقیل* به عنوان مهم‌ترین کتاب آموزشی صرف و نحو در دوره کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، از یک سو فاقد تمرینات مناسب و از سوی دیگر مثال‌های چندانی که در بالا بردن توان دانشجویان در خواندن صحیح متون نمی‌کند؛ زیرا اکثر این مثال‌ها کوتاه و مربوط به نکات خاص صرفی و نحوی و شواهد خاص‌اند.

سؤال پایانی این بخش مربوط به کیفیت و جذابیت به کارگیری مثال‌های کتاب است. بیشتر دانشجویان (۶۶/۱ درصد) معتقد بودند که کیفیت مثال‌های کتاب آموزشی آنان در سطح پایین است. این امر در مثال‌های کتاب شرح ابن عقیل به خوبی مشخص است. مثال‌های این کتاب قدیمی و مربوط به فرهنگ عربی کهن هستند و هیچ جذابیتی برای یادگیرندگان فارسی‌زبان روزگار ما ندارند.

در مجموع داده‌های به دست آمده از این متغیر نشان داد که اختلاف ۴۵/۳۷ درصدی میان پایین‌ترین سطح (۵۶/۶۹) و بالاترین سطح (۱۱/۳۲) از نظر دانشجویان در مورد کیفیت کتاب آموزشی وجود دارد. این اختلاف خود حاکی از آن است که کتاب آموزشی که برای تدریس صرف و نحو در نظر گرفته شده است از نظر بیشتر دانشجویان دارای کیفیت مناسب نیست.

تحلیل نظر استادان در مورد متغیر اول: کیفیت کتاب آموزشی صرف و نحو

در مصاحبه‌هایی که با ۵ نفر از استادان نیز صورت گرفت، ۳ نفر از آنان معتقد بودند که کتاب آموزش قواعد عربی (شرح ابن عقیل) که در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی تدریس می‌شود، دارای کیفیت مناسب نیست و ۲ نفر نیز معتقد بودند که این کتاب یک کتاب خوب برای آموزش قواعد عربی است.

استادانی که اعتقاد به بی‌کیفیتی این کتاب داشتند معتقد بودند که سرفصل‌های وزارت علوم کتاب شرح ابن عقیل را به عنوان منبع درس صرف و نحو عربی برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی تعیین کرده است و آنان به رغم اعتقادشان به عدم سودمندی این کتاب در این مقطع، نمی‌توانند این سرفصل را تغییر دهند. دلیل دیگر ایشان این بود که کتاب دیگری که مناسب آموزش صرف و نحو عربی در این مقطع باشد، وجود ندارد و آنان مجبورند از کتاب شرح ابن عقیل استفاده کنند.

گروه دوم استادان که معتقدند کتاب شرح ابن عقیل برای دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی مناسب است، دلیل اصلی‌شان پایین بودن سطح علمی دانشجویان در درس صرف و نحو عربی است. آنان معتقدند که دانشجویان باید در دوره کارشناسی کتاب‌های مقدماتی را بگذرانند و در مقطع کارشناسی ارشد کتاب پیشرفته‌ای مثل شرح ابن عقیل را بخوانند.

در نقد نظر گروه دوم استادان باید گفت که اگر هدف از آموزش قواعد صرف و

نحو به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی بالا بردن قدرت روخوانی و فهم متون عربی موجود در کتاب‌های فارسی ادب کهن است، چند درصد از مباحث کتاب شرح ابن عقیل در راستای این هدف است و آیا یک دانشجوی زبان و ادبیات فارسی با یادگیری درست قواعد صرفی و نحوی در سطح کتاب مبادی العربیه جلد سوم یا چهارم بهتر نمی‌تواند به هدف آموزش صرف و نحو دست یابد؟ حقیقت امر این است که مباحث ریز و فراوان شرح ابن عقیل به جای اینکه دانشجویان را در روخوانی و فهم متن تقویت کند، آنان را دچار سردرگمی و بی‌انگیزگی می‌سازد.

تحلیل متغیر دوم دانشجویان: میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب تدریس در درس صرف و نحو

متغیر دومی که در این بخش بررسی شد، میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو عربی است. در این متغیر ۹ سؤال مطرح شد.

در راستای این هدف در پرسش اول سعی شد که به شیوه کار در چگونگی ارتباط دادن مطالب قدیم و جدید ذهن دانشجو پرداخته شود. بیشتر دانشجویان (۵۳/۲ درصد) در سطح پایینی معتقد بودند که استادانشان این راهبرد را اجرا کرده‌اند. پیوند میان معلومات قبلی و جدید در آموزش صرف و نحو عربی نقش مهمی دارد؛ زیرا اکثر قواعد صرفی و نحوی به نوعی تکمیل‌کننده یکدیگرند و دانشجویان بدون یادگیری معلومات پیش‌زمینه نمی‌توانند به صورت عملی معلومات جدید را یاد بگیرند. در واقع از عوامل مهمی که سبب می‌شود بسیاری از دانشجویان همیشه از فراموشی سریع قواعد صرفی و نحوی عربی رنج ببرند، پیوند ندادن معلومات جدید با معلومات قبلی‌شان است. قواعدی که بدون معلومات پایه و اساسی باشد خیلی زود فراموش می‌شوند.

پرسش دوم مربوط به میزان استفاده استاد از مثال‌های متنوع و خارج از کتاب بوده است. اغلب دانشجویان (۷۴/۲ درصد) معتقد بودند که استادان در سطح پایینی از این راهبرد در تدریس صرف و نحو استفاده می‌کنند. درست است که کتاب‌های آموزشی صرف و نحو چندان مثال‌های متنوع و مناسب برای آموزش کاربردی صرف و نحو ندارد اما خود استادان می‌توانند خارج از چارچوب کتاب تمرین‌ها و مثال‌های مربوط به هر مبحث را در اختیار دانشجویان قرار دهند تا بیشتر جنبه کاربردی بودن قواعد در ذهنشان تثبیت شود.

در پرسش سوم میزان استفاده استادان از متون ادبی و عبارات زیبا و نشاط‌انگیز بررسی شد. اغلب دانشجویان (۶۹/۴ درصد) در سطح پایین معتقد بودند که استادانشان این راهبرد مهم را اجرا می‌کنند. در واقع استفاده از متون ادبی و عبارات زیبا و نشاط‌آور از یک سو جنبه محوریت متن در آموزش قواعد صرفی و نحوی را تقویت می‌کند که خود سبب بالابردن توانایی بیشتر دانشجویان در درست‌خوانی و فهم متون عربی است و از سوی دیگر سبب نشاط و شادابی دانشجویان در امر یادگیری می‌شود.

پرسش چهارم اختصاص به بهره‌گیری استاد از مثال‌های واضح و مرتبط با درس است. در این پرسش نیز اغلب دانشجویان (۵۹/۷ درصد) معتقد بودند که در سطح پایین استادانشان از این راهبرد استفاده کرده‌اند. مثال‌ها و تمریناتی که استادان در آموزش خود استفاده می‌کنند علاوه بر ادبی و جذاب بودن باید واضح و مرتبط با درس باشند تا هرچه بیشتر یادگیری قواعد را در دانشجویان تسریع بخشند.

در پرسش پنجم میزان استفاده استاد از متون عربی به جای مثال‌های کوتاه بررسی شد. درصد بالایی از دانشجویان (۸۷/۱) معتقد بودند که استادانشان در سطح بسیار پایینی از این راهبرد استفاده می‌کنند. استفاده از متون در تمرینات به جای مثال‌های کوتاه نقش بسزایی در تقویت مهارت خواندن و فهم متن دانشجویان دارد. امروزه بسیاری از روش‌های جدید آموزش زبان دوم به سوی متن محوری روی آورده‌اند. از آنجا که هدف آموزش عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی تقویت مهارت‌هایی مثل مکالمه و شنیدن نیست و تنها هدف بالا بردن قدرت فهم متن است، این رویکرد می‌تواند نقش مهمی در تحقق این هدف داشته باشد.

پرسش ششم مربوط به بررسی میزان به کارگیری قواعد ضروری و کاربردی صرف و نحو و اجتناب از قواعد اضافی و غیر کاربردی است. بیشتر دانشجویان (۵۶/۵ درصد) معتقدند که استادان در سطح متوسطی این راهبرد را اجرا کرده‌اند. در مقابل (۸/۱ درصد) هم به اجرای این راهبرد در سطح بالا اعتقاد دارند.

از آنجا که درس صرف و نحو عربی در دوره کارشناسی ارشد برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی تنها دو واحد است استادان باید تنها به آموزش قواعد ضروری و کاربردی اکتفا کنند. بسیاری از استادان در دانشگاه‌های مختلف به جای اینکه از هر مبحث ضروری‌ترین و کاربردی‌ترین قواعد را به دانشجویان آموزش دهند تا بتوانند از این قواعد در درست‌خوانی متون استفاده کنند، به تدریس یک مبحث از مباحث به صورت جزئی

می‌پردازند و تمامی نکات ریز و درشت آن را مطرح می‌کنند، نکاتی که بسیاری از آن‌ها هیچ وقت به درد دانشجوی نخواهد خورد. برای مثال برخی اساتید به جای تدریس موضوعات مهم و ضروری در هر کدام از مباحث مبتدا، فاعل، مفعولات، حال، منادا، تمیز و غیره، به تدریس فقط مبحث مبتدا می‌پردازند و تمامی نکات آن را شرح می‌دهند، در حالی که دانشجویی که مبحث مبتدا را کامل یاد گرفته است وقتی با متنی مواجه می‌شود که فاعل، مفعول، حال، منادا و تمیز در آن هست، نمی‌داند که چگونه کلماتی را که در این نقش‌ها هستند، بخواند و بفهمد. در واقع هر ساختار دارای اجزائی به هم مرتبط است که هنگامی که انسان بخواهد آن اجزاء را فرا بگیرد باید همه این اجزاء را یاد بگیرد و روابط آن‌ها را با هم درک کند تا اینکه بتواند همه آن مجموعه را فرا بگیرد (لیب، ۱۹۸۴: ۷۷). یادگیری یک جزء از یک مبحث بدون یادگیری بقیه اجزاء نمی‌تواند هیچ کمکی به بالابردن فهم دانشجویان از مباحث شود.

در پرسش هفتم، میزان استفاده استاد از دستور زبان فارسی برای تسهیل در آموزش قواعد عربی بررسی شد. در این پرسش نیز اکثریت دانشجویان (۶۲ درصد) معتقد بودند که اساتید در سطح پایینی این راهبرد را اجرا کرده‌اند. با توجه به رابطه تنگاتنگ زبان‌ها و ویژه رابطه بین دو زبان عربی و فارسی استفاده از زبان فارسی و دستور آن در آموزش قواعد عربی می‌تواند مؤثر باشد، این درحالی است که بسیاری از ساختارهای دستوری فارسی و عربی، با یکدیگر مشابه‌اند.

دو پرسش هشتم و نهم مربوط به میزان توجه استادان به آموزش صرف و نحو در راستای فهم و خواندن صحیح متون و میزان تأکید استاد بر فهم کاربردی صرف و نحو و نه حفظ قواعد است. درصد بالایی از دانشجویان (۷۲/۶) در پرسش هشتم و درصد بالایی (۵۸/۱) نیز در پرسش نهم معتقدند که استادان در سطح پایینی از این راهبرد مهم استفاده کرده‌اند. در واقع هدف آموزش صرف و نحو عربی به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی فهم و خواندن صحیح متون است. متأسفانه یادگیری قواعد صرفی و نحوی برای دانشجویان این رشته به خودی خود یک هدف محسوب می‌شود. استادان بیشتر از اینکه بر آموزش این قواعد در راستای کاربردی بودن آن تأکید کنند، به حفظ قواعد توجه دارند. استادان باید این مطلب را لحاظ کنند که یادگیری هیچ قاعده‌ای از قواعد صرفی و نحوی هدف محسوب نمی‌شود، بلکه به کارگیری درست این قاعده هدف اصلی آموزش صرف و نحو است.

جمع‌بندی پایانی ما از نه سؤال در پایان کار صورت گرفت که در جدول چهار بیان شده است. بر اساس آن تعداد بیشتر دانشجویان در سطح پایین به این سؤالات پاسخ داده‌اند. اختلاف ۵۵/۴ درصدی میان بالاترین سطح (۶/۷۶) و پایین‌ترین سطح (۶۲/۲) گویای آن است که استادان از نظر بیشتر دانشجویان از راهبردهای مناسب برای تدریس صرف و نحو استفاده نکرده‌اند.

تحلیل نظر استادان در مورد متغیر دوم: میزان استفاده استادان از راهبردهای مناسب برای تدریس صرف و نحو

در مصاحبه‌هایی که با ۵ استاد صورت گرفت؛ بیشتر آنان معتقد بودند که از این راهبردها در تدریس صرف و نحو استفاده نمی‌کنند. از مهم‌ترین دلایلی که آنان برای عدم به کارگیری این راهبردها مطرح کرده‌اند، کمبود زمان درس صرف و نحو است. آنان معتقدند که در این درس با کمبود زمان مواجه‌اند و نمی‌توانند چندان به این راهبردها توجه کنند. البته قبلاً گفته شد که استادان بهتر است با گزینش مطالب مهم و توضیحات کلی‌تر و اجتناب از موضوعات ریز، حداکثر استفاده را از زمان محدود کلاس ببرند. البته عوامل دیگری را نیز می‌توان در کنار عامل مطرح شده اساتید مطرح کرد. از مهم‌ترین این عوامل، سنتی بودن روش استادان در تدریس این درس و عدم آشنایی آنان با راهبردها و استراتژی‌های جدید تدریس این درس است.

محوریت کتاب آموزشی نیز می‌تواند سبب بی‌توجهی استادان به راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو باشد. کتاب آموزشی‌ای مثل شرح ابن عقیل که فاقد جذابیت، مثال‌ها و تمرینات کاربردی است، می‌تواند مانع بزرگی برای استادان در اجرای راهبردهای خود باشد. البته باید گفت که استادان می‌توانند به این کتاب اکتفا نکنند و خود را از سیطره آن درآوردند و با نوآوری و تلاش راهبردهای مناسب را صرف نظر از کتاب آموزشی، به کار گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

داده‌هایی که از طریق پرسشنامه از دانشجویان و از طریق مصاحبه از استادان جمع‌آوری شد مربوط به دو متغیر بود که نتایج به دست آمده از تحلیل این دو متغیر به شرح زیر است:

متغیر اول مربوط به میزان کیفیت کتاب آموزشی قواعد صرفی و نحوی بود. داده‌های به دست آمده از شش پرسش این متغیر نشان داد که اکثریت دانشجویان معتقدند که کتاب آموزشی آنان در درس صرف و نحو در مورد «قابل فهم بودن زبان آن»، «جذابیت شیوه نگارش و فصل‌بندی»، «استفاده از سؤال‌ها و تمرین‌های پایانی درس» و «مناسب بودن تمرینات و مثال‌ها در راستای بالا بردن قدرت دانشجویان در خواندن و فهم متون»، در سطح پایینی قرار دارد. در مورد «ارتباط مطالب کتاب با سطح معلومات قبلی» اکثریت دانشجویان در سطح متوسطی به این امر اعتقاد دارند. در مجموع بیشتر دانشجویان (۵۶/۶۹ درصد) در سطح پایینی در مورد کیفیت این کتاب نظر دادند. اختلاف (۴۵/۳۷) میان بالاترین سطح (۱۱/۳۲) و پایین‌ترین سطح (۵۶/۶۹) نشان از بی‌کیفیت بودن این کتاب از نظر اغلب دانشجویان دارد.

سه نفر از استادان نیز در مصاحبه خود به بی‌کیفیت بودن این کتاب و دو نفر به کیفیت دار بودن آن اعتقاد داشتند. از نظر استادانی که به بی‌کیفیت بودن آن معتقد بودند، سرفصل الزام‌آور وزارت علوم و نبود کتاب آموزشی مناسب دیگر در زمینه صرف و نحو عربی از دلایل استفاده از کتاب فعلی است.

در متغیر دوم به بررسی میزان اجرای راهبردهای مناسب تدریس صرف و نحو استادان پرداخته شد.

راهبردهای تدریس در این متغیر عبارت بودند از: «استفاده از مثال‌های متنوع و خارج از کتاب»، «استفاده از متون ادبی و عبارات زیبا و نشاط‌آور»، «بهره‌گیری از مثال‌های واضح و مرتبط»، «به کارگیری متون عربی به جای مثال‌های کوتاه»، «استفاده از دستور زبان فارسی»، «تأکید بر فهم کاربردی صرف و نحو و نه حفظ قواعد» و «آموزش صرف و نحو در راستای فهم و خواندن صحیح متون». بیشتر دانشجویان معتقد بودند که استادانشان در سطح پایینی از این راهبردها استفاده کرده‌اند. در مورد راهبرد «گزینش موارد ضروری و کاربردی» بیشتر دانشجویان معتقد بودند که استادانشان این راهبرد را در سطح متوسط اجرا کرده‌اند.

نتیجه به دست آمده از مجموع این ۹ سؤال نشان داد که متغیر «استفاده از راهبردهای مناسب در تدریس صرف و نحو» از نظر بیشتر دانشجویان (۶۲/۲ درصد) در سطح پایینی اجرا می‌شود.

بیشتر استادان نیز معتقد بودند که به دلیل کمبود وقت نتوانسته‌اند از این راهبردها

استفاده کنند. در کنار این عامل که استادان به آن اشاره کرده‌اند عوامل دیگری مثل سنتی بودن روش تدریس، کتاب محور بودن آموزش نیز می‌تواند در بی‌توجهی استادان در اجرای این راهبردها مؤثر باشد.

راه کارها

۱. مهم‌ترین اقدامی که می‌تواند آموزش عربی و به ویژه آموزش قواعد صرف و نحو را در رشته زبان و ادبیات فارسی بهبود ببخشد، تألیف کتاب اختصاصی در این زمینه برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد است. این کتاب باید چند ویژگی مهم داشته باشد که این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف) کتاب باید به زبان فارسی یا عربی ساده و قابل فهم برای دانشجویان زبان فارسی نوشته شود.

ب) از ذکر مباحث غیر ضروری و استثنائات قواعد خودداری شود و تنها مباحث ضروری و کاربردی ذکر شود که دانشجویان زبان و ادبیات فارسی را در روخوانی و فهم متون عربی یاری دهد.

ج) از آنجا که هدف آموزش عربی به دانشجویان زبان و ادبیات فارسی بالا بردن قدرت روخوانی و فهم آنان از متون است، بهتر است که قواعد صرفی و نحوی در این کتاب به شیوه «متن محور» مطرح شوند نه به شیوه قیاسی و استقرائی.

د) کتاب باید از فصل‌بندی و شیوه تألیف جذاب و گیرایی برخوردار باشد تا ملالت و خشکی قواعد کمتر احساس شود.

۲. استادان باید با شیوه‌های جدید تدریس قواعد عربی آشنا شوند و با به کارگیری این راهبردها سعی کنند که با وجود محدودیت زمانی کلاس و واحد درسی، بیشترین و ضروری‌ترین مباحث صرفی و نحوی را با کیفیت عالی به دانشجویان آموزش دهند.

۳. کتاب شرح ابن عقیل که در سرفصل وزارت علوم برای درس صرف و نحو عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد، تعیین شده یک کتاب قدیمی و فاقد معیارهای آموزشی مناسب است و ضروری است که منبع یا منابع جدیدی برای این درس معرفی شود.

۴. مهم‌ترین نکته‌ای که استادان محترم باید در تدریس صرف و نحو به دانشجویان

رشته زبان و ادبیات فارسی مد نظر داشته باشند این است که دانشجوی این رشته هیچ نیازی به قواعد جزئی و غیر کاربردی صرفی و نحوی عربی ندارد و تنها باید قواعدی را یاد بگیرد که در خواندن و فهم متون عربی او را یاری می‌رساند.

منابع

- آدلر، مارتیمرجی (۱۳۷۵). چگونگی کتاب بخوانیم. ترجمه محمد صراف. چاپ پنجم. تهران: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- آقازاده، محرم (۱۳۸۵). راهنمای روش‌های نوین تدریس. چاپ دوم. تهران: انتشارات آبیژ.
- ابوالهیجا، فواد (۲۰۰۱). اسالیب و طرق تدریس اللغة العربية و إعداد دروسها الیومیة بالاهداف السلوکية. عمان: دار المناهج.
- اچسون، کیت (۱۳۷۴). نظارت و راهنمایی تعلیمات. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: نشر تابان.
- اکبری، مفاخر (۱۳۸۸). «ارزیابی و بررسی آموزش بلاغت و صرف و نحو به دانشجویان رشته عربی و دیگر رشته‌ها». مجموعه مقالات چهارمین همایش گروه‌های عربی دانشگاه‌های ایران. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- پاشازانوس، احمد (۱۳۸۸). «نگاهی به نحوه آموزش صرف و نحو در دانشگاه‌های کشور (آسیب‌ها، راهکارها)». مجموعه مقالات چهارمین همایش گروه‌های عربی دانشگاه‌های ایران. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- جوام، محمدحسین و حسن پاشا شریفی (۱۳۷۰). فنون و مهارت‌های تدریس. شرکت چاپ و نشر ایران.
- الحاج خلیل، محمد (۲۰۰۶). دليل المعلم و المعلم المتجدد الكتاب الاول و الكتاب الثاني. المملكة الاردنية: دار المجد الاولى.
- الحسون، جاسم محمود و حسن جعفر الخليفة (۱۹۹۶). طرق تعليم اللغة العربية في التعليم العام، بنغازی. ليبيا: منشورات جامعه عمر مختار.
- خورشیدی، عباس (۱۳۸۵). روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات یسطرون.
- رکابی، جودت (۱۹۸۶). طرق تدریس اللغة العربية، الطبعة الثانية. دمشق: دارالفکر.
- ژیرار، دنی (۱۳۶۵). زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان. ترجمه گیتی دیهیم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلیمی، علی و فاروق نعمتی (۱۳۹۰). «نقد و ارزیابی درس عربی در رشته زبان فارسی». مجموعه مقالات پنجمین همایش مدیران گروه‌های عربی کشور. یزد: دانشگاه یزد.
- الشربوفی، عیسی (۱۹۹۸). «اعتبارات نظریة و تطبيقية في تدریس القواعد لمتعلمی العربية من غیر الناطقین بها». المجلة العربية للتربية المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم. المجلد الثامن عشر. العدد الثاني. ۵۸ و ۵۹.

- شعبانی، حسن (۱۳۸۶). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. جلد اول (روش‌ها و فنون تدریس). تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- العدوی، غسان یاسین و حوریه الخياط (۲۰۰۳). «التنظيم الهرمی للمفاهيم النحویة فی مناهج المرحلة الإعدادیة دراسة میدانیة فی مدینة دمشق». مجله جامعه دمشق. المجلد ۱۹. العدد الأول. ۲۸۸-۲۵۵.
- علی آبادی، خدیجه (۱۳۸۳). مقدمات تکنولوژی آموزشی. چاپ نوزدهم. انتشارات دلیل ما.
- القاسم عاشورا، راتب و محمد فراد الحوامده (۲۰۰۹). فنون اللغة العربیة و أسالیب تدریسها بین النظریة و التطبيق. عمان: عالم الكتب الحدیث.
- القطامی، یوسف (۱۹۹۸). سیکولوجیا التعلم و التعليم الصفی. عمان. دار الشروق للنشر و التوزیع.
- کار، دیوید، فنستر ماخر و ریچاردسون (۱۳۸۵). روش‌های تدریس پیشرفته. ترجمه دکتر هاشم فردانش. تهران: انتشارات کویر.
- اللیب، رشدی و آخرون (۱۹۸۴). المنهج منظومة لمحتوی التعليم. القاهرة: دار الثقافة.